یادداشت

مجید ابهری، رفتارشناس و آسیب‌شناس اجتماعی

واکسیناسیون دولت با آغاز از قبرستان

شاید برای خیلی از انسان‌های ظاهربین آغاز به کار رئیس‌جمهور از بهشت زهرا (س) کار جالبی به‌نظر نرسد، اما همین موضوع از نگاه رفتارشناسی علائم حرکتی بسیار بدیع و آموزنده است؛ آغاز از جایی که نقطه پایان است.

مولا علی (ع) می فرماید هرگاه که دنیا بر تو سخت گرفت و دلتنگ شدی سری به قبرستان بزن و ببین عاقبتت چیست؛ و هرگاه خیلی به دنیا و جاه و مقام غره شدی باز سری به گورستان بزن و ببین پایان تو چیست و آخرین ایستگاهت کجاست!

دنیای مردگان چه جهان عبرت‌آموزی است؛ شاه و گدا در مکانی یکسان و در زیر خاک و سنگ خفته‌اند. در اینجا لقب و عنوان و جایگاه برای تو ارزش خلق نمی کند و همه با یک نام خوانده می‌شوند؛ میت، جنازه، فقید سعید. از تو فقط نامی و شهرتی و سن و تاریخ مرگ ثبت می‌شود؛ چه حرکت آموزنده و عبرت‌آموزی که جناب رئیس‌جمهور انجام دادند.

هموطن من از جایی کارم را آغاز کردم که نقطه پایان همه است. میز و عنوان هیچ امتیازی به حساب نمی آیند. از تمام دارایی تو فقط یک کفن به تو می‌رسد، لباسی که در پوشیدن آن با یک فرد عادی همسطح و همدوش می‌شوی.

خانه، ویلا، خودرو، تختخواب و لباس همه را برای دیگران می گذاری و با چند قطعه چلوار دنیا را ترک می کنی. حالا اگر کمی خاک بر لباست بنشیند و گوشه‌ای از تن‌پوشت خاکی گردد، با تلاش زیاد سعی در خاک‌زدایی می‌نمایی و اینجا در مقابل چشمان زن و فرزند و اقوام خاک‌ها را به رؤیت می‌ریزنند.

مبادا شیطان و نفس فریبت دهد و گمان کنی تا نوبت تو خیلی مانده‌است؛ توبه را برای همین جا گذاشته‌اند. در حالی که هزاران نفر جوان‌تر و قوی‌تر از من و تو برای نوشیدن یک لیوان آب هم فرصت نیافتند. رئیس‌جمهور با این حرکت به وزرا و همکاران با زبان بی‌زبانی اعلام کردند همکاران عزیز، دوستان من، در زیر پای شما و ما هزاران استاد و دکتر و مهندس و سردار خوابیده‌اند که آرزوی یک ساعت بازگشت به دنیا و انجام امور جا مانده را داشتند، اما با صدهزار اندوه فرصت آنها تمدید نشد.

پیشنهاد می کنم جناب رئیس‌جمهور به مدیر عامل بهشت زهرا دستور دهند دو تصویر متوسط از دو نقطه از بهشت زهرا (س) تهیه و اهدا نمایند. یک تصویر از قطعه شهدا که امروز ما به صدقه خون آنها بر این مشاغل مسلط شدیم. چشمان خاک و خون آلود آنها به دست ما خیره مانده تا ببینند ما با میراث آنها چه می کنیم. یک تصویر بزرگ‌تر از گورهای خالی و آماده برای پذیرش که منتظر ورود ما هستند و معلوم نیست چند تا از آنها توسط ما یا نزدیکان و دوستان ما پر می‌شوند. این دو تابلو بهترین هدیه برای رجال و اصلی‌ترین پاک کن برای خطاها و اشتباهات ماست. قطعاً نگاه به این دو تصویر در طول روز و در جلسات ما را از خطا مصون می‌دارد؛ مگر اینکه ریسمان شیطان واقعاً قدرتمند باشد.

اگر کسی واقعاً به فکر مرگ و قبر باشد به مردم وحقوق آنها خیانت نمی کند. باور مرگ واکسن پیشگیری از خطا و خیانت است؛ و چه زیبا و عالی جناب رئیسی واکسیناسیون همکاران دولت خود را آغاز نمودند. حالا دوباره کسانی که بر این حرکت رئیس‌جمهور خرده گرفته و می گیرند این مقال را مرور فرمایند؛ پناه برخدا

قضائیه

علیرضا سزاوار

بازگشت ۸۰۰ هزار یورو با هوشمندی قوه قضائیه

با درایتی که سازمان بازرسی چند استان کشور در ماه‌های نشان دادند، از تضییع مبالغ قابل توجهی از اموال بیت‌المال جلوگیری شد. وصول هزارو ۶۰۰ میلیارد از معوقات بانکی در چهارمحال بختیاری، صرفه‌جویی ۸۰۰ هزار یورویی در یک مناقصه به سود بیت‌المال و جلوگیری از تضییع ۲۲۱ میلیاردی یک بانک دولتی از اقدامات مهم سازمان بازرسی در ماه‌های اخیر بوده‌است.

به تازگی برگزاری مناقصه خرید در یکی از شرکت‌های پتروشیمی استان بوشهر به قیمت پیشنهادی ۲/۴ میلیون یورو برگزار شد. یعنی این پتروشیمی باید این مبلغ را برای خرید یکی از مواد مورد نیاز خود می‌پرداخت. این مسئله اما منجر به تذکر بازرسان حاضر در جلسه در خصوص بالا بودن قیمت پیشنهادی و تجدید مناقصه مذکور شد. پس از برگزاری مجدد مناقصه، کمترین قیمت به مبلغ ۱/۶ میلیون یورو ارائه و به عنوان برنده مناقصه انتخاب شد. در نتیجه با ورود به موقع دستگاه قضا به این موضوع، مبلغ ۸۰۰ هزار یورو صرفه‌جویی شد.

این شرکت پتروشیمی زیرمجموعه شرکت صنایع هلدینگ خلیج فارس و عمده سهام آن متعلق به طرح توزیع سهام عدالت و در اصل متعلق به بیت‌المال است.

بازرسی کل استان چهارمحال هم در راستای نظارت بر عملکرد بانک‌ها با رویکرد حمایت از سرمایه‌گذاران و وصول مطالبات از بدهکاران بانکی، از ابتدای سال جاری موضوع وضعیت مطالبات غیر جاری (سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول) بانکی را به‌صورت مستمر و در بازه زمانی ماهانه، با اعمال نظارت محسوس و غیر محسوس دنبال کرده‌است.

برگزاری جلسات مشترک مسئولان قضایی استان، نماینده بانک‌ها و بدهکاران عمده با پیگیری بازرسی کل استان چهارمحال و بختیاری، تأثیرگذاری خوبی در وصول مطالبات داشته‌است. به طوری که آمار مربوط به مطالبات وصولی بانک‌های استان در تیرماه به مبلغ بیش از هزارو ۶۰۰ میلیارد ریال رسید.

در بازرسی عملکرد مدیریت شعب یکی از بانک‌های دولتی استان خراسان رضوی درخصوص نحوه تعیین تکلیف اموال و دارایی‌های تملک شده هم مشخص شد یکی از شرکت‌ها که تعدادی از املاک این بانک را خریداری کرده، در پرداخت به موقع اقساط جمعاً به مبلغ بیش از ۷۰۳ میلیارد ریال به تعهد خود عمل نکرده‌است.

به اضافه اینکه چک‌های واگذاری آن شرکت هم برگشت شده، ولی مدیریت شعب بانک مذکور در استان خراسان رضوی، در زمینه مطالبه و کسر خسارات وارده از محل پرداخت‌های اولیه خریدار و برگشت این املاک به بانک اقدامی صورت نداده‌است؛ یعنی با این ضعف عملکرد، زمینه تضییع حقوق بانک فراهم شده‌است.

در نهایت با پیگیری‌های به عمل آمده از ناحیه بازرسی کل خراسان رضوی و در نتیجه اقدامات صورت گرفته از طرف بانک، ملک با ارزشی از آن شرکت به بانک مسترد شد. در نتیجه عملاً از تضییع حقوق بانک و بیت‌المال به مبلغ حداقل ۲۲۱ میلیارد ریال (که با توجه به افزایش قیمت املاک ارزش فعلی بیشتر است) جلوگیری به عمل آمد. در خصوص سایر املاک نیز حسب توافق بین فروشنده و خریدار چک‌های جدید اخذ و مبالغی از آن نیز به تازگی وصول شد.

اقدامات بازرسی کل استان کرمان هم در راستای مبارزه با فساد از بدو سال ۱۴۰۰ تاکنون موجب شده در مجموع تعداد ۱۷ نفر از مدیران و کارکنان دستگاه‌های دولتی به اتهام فساد مالی (اختلاس، ارتشا و تحصیل مال از طریق نامشروع) با ارسال گزارش به دادسرا معرفی و بازداشت شوند. مجموع سوءاستفاده مالی این افراد هم مبلغ ۲۸۰ میلیارد ریال بوده‌است. با پیگیری قضات رسیدگی کننده به پرونده‌ها، از مجموع مبالغ مذکور در ماه‌های اخیر، حدود ۳۵ میلیارد ریال به خزانه دولت برگشت داده شده‌است.

خوزستان را از کاغذبازی نجات دهید

«جوان» در گفت‌وگو با جهادگر ساکن خوزستان، ابعاد مشکلات اجتماعی - اقتصادی مردم منطقه و راهکار برون‌رفت از این وضعیت را مورد بررسی قرار داده است

گفت‌وگو

مهسا گربندی

جوان

آب نیست، اگر هم باشد، قابل آشامیدن نیست؛ گاهی کیفیت آب به قدری کم می‌شود که حتی نمی‌توانند دست‌هایشان را با آن بشویند! مردم اینجا گاهی برای رسیدن به آب باید چهار ساعت پیاده‌روی کنند و دبه آبی را که پر کرده‌اند با خود به خانه برگردانند. قدر آب آشامیدن را این مردم می‌دانند که داشتن آب لوله‌کشی و تصفیه شده برایشان آرزو شده‌است. البته این مسئله برای امروز و دیروزشان نیست، سال‌هاست که این مشکل در کنار مشکلات دیگر بخشی از زندگی روزمره خوزستانی‌ها شده و مسئولان فقط به تماشای آنها ایستاده‌اند! ریشه تمام مشکلات خوزستانی‌ها را می‌توان در سرکار آمدن مدیران نالایقی دانست که کار چندانی جز پر کردن صندلی‌های مدیریتی استان انجام نداده‌اند و در این سال‌های اخیر مدیر توانمندی در خوزستان بر سر کار نیامده که دغدغه حل مشکلات خوزستان را داشته باشد. در تمام این سال‌ها، گروه‌های جهادی و خیرین بسیاری آستین همت بالا زده‌اند و با دستان خالی به کمک این مردم آمده‌اند. رئیس‌جمهور و برخی از اعضای دولت جدید در اولین سفر خود، جمعه گذشته غیرمنتظره به خوزستان رفتند تا بلکه این سفر شروعی برای پایان مشکلات خوزستان باشد. برای آگاهی از وضعیت خوزستان و ارائه تصویر آن به مردم و مسئولان جهت کمک به این استان زرخیز اما مظلوم گفت‌وگویی را از دل خوزستان تدارک دیده‌ایم. خانم مریم بیک‌پور، یکی از جهادگرانی است که چندین سال است کنار خوزستانی‌ها آمده تا بخشی از درد و رنج آنها را بکاهد. او در یکی از کانکس‌های یادمان شهدا در کنار همسر و پدر همسرش زندگی می‌کند و معتقد است با این سبک زندگی می‌تواند به زندگی‌اش معنا ببخشد. در ادامه، گفت‌وگوی «جوان» را با این خانم جهادگر می‌خوانید.

خانم بیک‌پور! چه شد که تصمیم گرفتید به مشکلات خوزستان رسیدگی کنید؟

اجازه بدهید ابتدا توضیحی را خدمتتان عرض کنم که در ادامه به کار گفت و گویمان می‌آید. من ۱۱ سال است ازدواج کردم. بعد از ازدواج با حسن‌آقا که پاسدار هستند به تهران آمدم. از همان اول زندگی را ساده می‌گرفتم و به پیشنهاد خودم در خانه پدر همسرم و در کنار ایشان زندگی مشترکمان را شروع کردیم. سال ۹۳ و بعد از گذشت حدود سه سال از زندگی مشترکمان، پدر همسرم (که در میان خوزستانی‌ها به حاج قاسم معروف شده‌اند)، به ما گفتند یکی از مناطق دفاع مقدس گمنام در آبادان شناسایی شده که نیاز به پاکسازی و بازسازی دارد. او گفت که صحبت‌های اولیه انجام شده و باید برای کارهای اجرایی به آنجا برود و از من و همسرم پرسید ما هم می‌خواهیم همراه ایشان به آن منطقه برویم؟ از آنجایی که هر دوی ما از این موضوع استقبال کردیم، راهی خوزستان شدیم.

در نهایت ما تصمیم گرفتیم ادامه این زندگی مشترکمان را به آبادان و در یکی از مناطق گمنام دفاع مقدس منتقل کنیم. در آن منطقه که تماماً بیابان بود، خانه‌ای وجود نداشت و در یک کانکس زندگی کردیم، البته هنوز هم بعد از حدود هفت سال در همان کانکس زندگی می‌کنیم؛ کانکسی ۱۵ متری که یک آشپزخانه کمتر از یک متر مربع دارد و من در همین آشپزخانه برای جهادگران، کارگران و حتی زائران غذا می‌پزم.

شما که برای پاکسازی و بازسازی منطقه گمنام دفاع مقدس رفته بودید، چه شد برای حل مشکل خوزستانی‌ها دغدغه‌مند شدید؟

روزهای اول روایت شهدا را برای دانش‌آموزان و خانواده شهدا در بخش بانوان انجام می‌دادم. پاییز سال ۱۳۹۴ بود که راهیان نور دانش‌آموزی به یادمان شهدا آمدند. این کاروان مشغول غذا خوردن بود که یک خانمی آمد و ظروف غذای دور ریخته شده را زیر و رو می‌کرد و غذاهای مانده را در قابلمه‌ای که همراهش بود، می‌ریخت! از دیدن این صحنه ناراحت شدم. جلو رفتم و به او گفتم این کار را نکند و قصد داشتم که به او غذای تازه و تمیز بدهم، اما او در جواب به من گفت: «غذای زائر یادمان برابر است با غذای زائر اباعبدا...» این جمله‌من را به‌شدت تکان داد و تصمیم گرفتم که بعد از آن حواسم برای غذاها جمع باشد تا اسراف نشود. اینکه هر کسی به اندازه نیازش غذا بردارد و بخورد و آن غذاهایی را که دست نخورده باقی می‌ماند برای محرومان اطراف یادمان ببرم. بعد از آن بود که ماه رمضان از راه رسید و بچه‌های روستا مشغول بازی در پارک بودند، پارکی که هیچ وسیله‌ای برای بازی ندارد! هنوز یادم نرفته که یکی از دختر بچه‌ها آمد و از من پرسید در تهران هنگام سحر و افطار چه چیزی می‌خورند؟ برای او از سفره افطار گفتم و اینکه شیربرنج، فرنی یا آشی تهیه می‌شود و روزه‌دار از آن می‌خورد، گفتم! او دوباره پرسید اگر اینها را نداشته باشند، چه می‌خورند؟ گفتم فقط نان و پنیر و سبزی می‌خورند. چند لحظه بعد، یکی از دوستان این دختربچه به من گفت که او یتیم است و در ماه رمضان هم روزه می‌گیرد، اما هیچ چیزی ندارد که برای افطار بخورد! از آن روز بود که زندگی من تغییر کرد. اولین تلنگر برای من دیدن خانمی بود که از غذاهای دورریخته شده برای بچه‌هایش غذا می‌برد و دومین تلنگر هم گشنه بودن دختربچه روزه‌داری که برای افطار هیچ‌چیز نداشت بخورد. از همان موقع فعالیت من برای شناسایی مناطق محروم و جمع‌آوری کمک برایشان شروع شد.

چند نفر از محرومان را شناسایی کرده‌اید و از آنها حمایت می‌کنید؟

در حال حاضر به طور ثابت از هزار خانوار حمایت می‌کنیم که تعداد آنها روز به روز بیشتر می‌شود.

هزینه این کارهای خیر از کجا تأمین می‌شود؟

از آنجایی که هر روز به تعداد این افراد اضافه می‌شود، خودم هم دغدغه تأمین هزینه‌های رسیدگی به این خانوارها را داشته و دارم. روزهای اول بخشی از حقوق حاج‌قاسم و همسرم را می‌گرفتم. به مرور زمان آنهایی که به یادمان می‌آمدند و مشکلات این مردم را می‌دیدند، برای تأمین هزینه‌ها کمک کردند. در حال حاضر خیرین زیادی با من در ارتباط هستند تا به هر مناسبتی و هر زمانی که قصد انجام کار خیر دارند، آن را صرف حل مشکلات و تأمین هزینه‌های محرومان این منطقه کنند. برخی از مداحان نیز که به اینجا آمده‌بودند و فعالیت ما را دیدند، گفتند وقتی بودجه‌ای را برای کمک به نیازمندان در نظر گرفتند بهتر است که آن را ندانسته و نشناخته خرج نکنند و آن را برای حل مشکلات مردمان این منطقه واریز کنند. رزمندگان گردان حبیب نیز از دیگر خیرین این منطقه هستند که به این خانوارهای محروم کمک می‌کنند. کمک‌های مالی بسیار کمی نیز از طریق فعالیت من در پیج اینستاگرامی انجام شده‌است.

ما هم اعلام می‌کنیم که «جوان» می‌تواند واسطه کار خیر شود و منابع مالی و غیرمالی خوانندگان و خیران را به دست شما برساند. درباره مشکلات مردم خوزستان و شادگان که از نزدیک با آنها آشنا هستید، برایمان بگویید.

متأسفانه شادگان معضلات بسیار زیادی دارد و من نمی‌دانم چرا در این سال‌ها و تا این حد، دولتی‌ها نسبت به شادگان و مردمانش بی‌توجه بودند! به نظر من دولت باید آنقدر به روستاییان مرزنشین رسیدگی کند تا آنها با جان و دل و قدرت تمام از مرزهای کشورشان دفاع کنند، نه اینکه دولت با دست‌های خودش این مردم را ضعیف و راه را برای نفوذ معاندان کشور هموار سازد! البته این مردمانی که من می‌شناسم حتی اگر ضعیف شوند نیز عِرق به وطن دارند و بدون نگاه به بی‌تفاوتی دولت نسبت به خودشان پای دفاع از کشورشان می‌مانند، اما انصاف نیست که زیر سایه بی‌توجهی دولت نسبت به خودشان حتی نانی برای خوردن نداشته باشند! یا در این دوران شیوع کرونا توان تهیه ماسک و مواد شوینده و ضدعفونی کننده نداشته‌باشند! آن‌وقت مسئولان پشت تریبون می‌آیند و آمار هولناک ابتلا به کرونا و مرگ و میر ناشی از آن را اعلام می‌کنند. خب وقتی امکانات بهداشتی در اختیار مردم قرار ندهید، توقع وضعیت بهتر از این را هم نداشته باشید. از طرفی وضعیت راه و جاده در خوزستان بسیار نامناسب و خطرناک است. خاک زمین به گونه‌ای است که با یک نم باران آنقدر لغزنده می‌شود که برای همه به خصوص خانم‌های باردار مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. این خاک که ترکیبی از ماسه، شن و نمک است و آسفالت نشده، هنگام بارندگی دچار سیل می‌شود و مردم را گرفتار می‌کند. عده‌ای تصور می‌کنند که مشکلات مردم خوزستان به دلیل کمبود و نبود آب است، اما مشکلات خوزستانی‌ها بیش از اینها است و وضعیت بسیار بدی دارد. در روستای عین دو که شرایط شبیه به جنگ می‌ماند و کمتر کسی تحمل دیدن وضعیت روستاهای خوزستان را دارد! آن وقت چنین وضعیت بغرنجی را مسئولان ما می‌بینند و از آن خبر دارند، اما هیچ اهمیتی به آن نمی‌دهند و هیچ کاری برای بهتر شدن وضعیت آنها انجام نداده‌اند.

شما چند سال است در استان مستقرید و مشکلات را از نزدیک مشاهده می‌کنید. عمده مشکلات آبی مربوط به کجاهاست؟ به نظر شما این مشکل را چطور می‌توان حل کرد؟

باغملک چندین روستا دارد. یک روستا که اسمش ابوالعباس و دیگری رواک است که این دو روستا منشأ آبی ۱۱ روستای دیگر است، اگر برای آب این دو روستا مشکلی ایجاد شود، ۱۱ روستای دیگر نیز با مشکل مواجه می‌شوند.

چند ده سال بود که روستای آرزو لوله‌کشی آب نداشت و فقط یک تانکر داشت که از اداره آب به آنجا می‌آمدند و تانکر را آب می‌کردند. به دلیل جمعیت بالای این روستا آب تانکر در کمتر از یک روز تمام می‌شد و ساکنان آن مجدد با مشکلات بی‌آبی مواجه می‌شدند. مسئولان که هیچ کاری نکردند، تصمیم گرفتیم به کمک بسیج جهادی سپاه باغملک از ارتفاعات صعب‌العبور، لوله‌کشی آب را انجام دهیم. در این مدت اما هیچ‌کدام از مسئولان باز هم به کمک ما نیامدند، در حالی که ما می‌خواستیم با این کار، دولت را با مردم آشتی بدهیم و با اینکه اولین قدم را برای رفع مشکل آبی این روستا برداشتیم، آنها حتی یک درصد هم در این پروژه به ما کمک نکردند. البته با پیگیری‌های مستمر و بعد از گذشت حدود دو ماه، هلیکوپتر هلال احمر بخشی از لوله‌کشی را که نمی‌توانستیم با پای پیاده انجام دهیم به بالای کوه برد و به چشمه متصل کرد. مابقی کار را مردم داوطلب روستا و بسیجی‌ها انجام دادند و لوله‌ها را روی دوش می‌گذاشتند و به بالای کوه می‌بردند.

روستاهایی در این منطقه داریم که نه تانکر دارند و نه لوله‌کشی آب! مردمان این روستا برای تأمین آب موردنیاز خود ناچارند که چهار تا پنج ساعت راه بروند و فقط چند دبه آب برسانند. در صورتی که در نزدیکی این روستاها، رودخانه و چشمه قرار دارد و با لوله‌کشی آب می‌توانند از این نعمت الهی بهره‌مند شوند.

دولتی‌ها هیچ کاری نکردند؟! پس چطور از کمک‌هایی که به مردم خوزستان شده‌است، خبر می‌دهند؟

ساده‌ترین مسئله را می‌خواهم برای شما بگویم تا پاسخ سؤالتان را بگیرید. نخل‌های کشاورزان بار آمده‌است، اما وزارت کشاورزی به آنها سم نمی‌دهد! وقتی هم سم نرسد، درختان آفت می‌زند و محصولات از بین می‌رود. کاری به این سادگی انجام نمی‌شود و مشکلات جبران‌ناپذیری اتفاق می‌افتد، آن وقت شما توقع دارید باور کنیم که به این مردم کمکی شده‌است؟!

گاهی مسئولان پز می‌دهند که مثلاً «موتور آب» برای حل مشکل خوزستان داده شده‌است، کاش بگویند این موتور آب به چه کسانی داده می‌شود که ما آن را ندیدیم! یا مثلاً اعلام کردند که عیدی‌های پرداخت شده در عیدفطر برای ایتام هزینه شده‌است، این عیدی به دست هیچ کدام از ایتامی که من می‌شناسم نرسیده است. یا مثلاً سبد کالایی که اعلام می‌شود داده شده، تا امروز در حوزه‌ای که من در آن کار می‌کنم هیچ سبد کالایی را ندیده‌ام.

به نظر شما چطور می‌شود این مشکلات را حل کنیم؟

من و امثال من اگر در اینجا حضور داریم می‌توانیم شبیه به مسکن برای دردهای مردم این منطقه عمل کنیم. مسئله آب خوزستان و دیگر مشکلاتشان چون ریشه‌ای است، باید برای حل آن، اقدام اساسی از سوی دولت انجام شود.

سازمان منطقه آزاد برای این مردم دغدغه‌ای ندارد و به جای وزارت راه و شهرسازی، بچه‌های سپاه هستند که راه‌ها را آسفالت می‌کنند! متأسفانه همه مسئولان به خوابی عمیق فرو رفته‌اند. زیر سایه این غفلت‌ها در روستاها گراز می‌آید و به زنان و بچه‌ها حمله می‌کند و به آنها آسیب می‌زند، یا با بارش باران، معابر و گودال‌ها پر از آب می‌شود و مشکلات زیادی از جمله غرق شدن کودکان در گودال‌هایی که ندانسته پا روی آن می‌گذارند، اتفاق می‌افتد و مسئولان هیچ کدام از اینها را نمی‌بینند. مشکل اینجاست که هر وزیر و نماینده مجلسی که به قدرت رسید درگیر چارچوب و کاغذبازی شد، در صورتی که مشکلات مردم به قدری بغرنج است که هر ثانیه هم برای آنها یک ثانیه است! متأسفانه از زمانی که دچار کاغذبازی شدیم و از خط اصلی امام(ره) که رسیدگی به مردم مستضعف است، دور شده‌ایم، به جای حل مشکلات مردم برایشان مشکلات بیشتری درست کردیم.

خوزستان ظرفیت چه مشاغلی را دارد؟ آیا نمی‌توان در این استان درآمدزایی کرد و با همان پول این استان را ساخت؟

به طور حتم این کار شدنی است. پساب نیشکر که بلای جان خوزستانی‌ها شده و یک تهدید برای محیط‌زیست است، با یک مدیریت صحیح و قوی می‌توان آن را تبدیل به فرصت کرد. همچنین می‌توانیم از مهندسان جوان بخواهیم که به خوزستان بیایند تا گل رودخانه‌ها را لایروبی کنند و به جای اینکه با بی‌تفاوتی اجازه دهیم که این گل به محیط‌زیست آسیب بزند از آن درآمد کسب کنیم. آنها می‌توانند از این گل‌ها درآمد بسیار زیادی کسب کنند. هر چند که ممکن است چند وقت دیگر یک خارجی پیدا شود و برای آن دست به کار شود و بگوید من دریا را پاکسازی می‌کنم و آن را از ما به قیمت مفت بخرد، مسئولان هم بادی به غبغب بیندازند و بگویند به بهترین شکل ممکن خوزستان را نجات داده‌اند! در کنار همه اینها، حصیر آبادان نمونه است و قطر و کویت، مشتاق خرید آن هستند. متأسفانه هیچ‌کس به اینجا نیامده تا حصیربافی را به طور اصولی راه بیندازد و شهرک صنعتی اینجا نیز از کار افتاده‌است. به غیر از همه اینها، خرمای خوزستان در تمام دنیا معروف است که با نرساندن به موقع سم از سوی دولتی‌ها در حال نابود شدن است. اگر به آن رسیدگی شود و کارخانه اصولی برای بسته‌بندی شکیل آنها و صادراتش به خارج از کشور راه‌اندازی شود، منبع درآمد بسیار خوبی در این مناطق خواهد بود. در حالی که شاهد آن هستیم که این مناطق تبدیل به جولانگاه دلالان شده‌است که خرماها را به قیمت ارزان می‌خرند و با یک بسته‌بندی ساده به خارج از کشور می‌فرستند که ضرر همه این سوءمدیریت‌ها به مردم خوزستان بازمی‌گردد. از طرفی حتی ضایعات خرما و نی هم درآمدزا خواهد بود، زیرا می‌توان کارخانه تولید نئوپان و کود از ضایعات خرما و نی راه‌اندازی و از این راه کسب درآمد کرد. بنابراین اولین و اصلی‌ترین مشکل ما سوءمدیریت و در مرحله دوم مسئله تأمین پول است.

در حال حاضر شاهد آن هستیم که رئیس دولت سیزدهم اولین سفر استانی خود را به خوزستان انجام داده است، امیدواریم ایشان که درکی از مشکلات و شرایط سخت زندگی خوزستانی‌ها را داشتند، درصدد حل آنها برآیند و وزرای جدید انتخاب‌شده نیز هر کدام دغدغه حل مشکلات این مردم نجیب و مظلوم را داشته باشند.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۳۸۵

طرف کافر نبود، زندیق بود. زندیق فوق کافر است. کافر برخی چیزها را قبول دارد؛ زندیق به هیچ چیز معتقد نیست!

... و حالا در بحث و مناظره سر و کار او افتاده‌است با شاگرد رئیس مذهب.

مگر در بین یاران امام صادق چند نفر مثل هشام بن حکم، مؤمن الطّاق، جابر بن حیان یا مفضل بن عمر هست؟

ساعتی با هم مناظره کردند. او توانست زندیق را مغلوب کرده، در مناظره چیره شود. نازنده و سرافراز به امام صادق گفت چطور بود؟ خوب بحث کردم؟

انتظار هر سخنی داشت، جز آنچه امام صریح و روشن به او فرمود:

- خوب از عهده برآمدی، اما گاه حق و حقوق وی را بجا نیاوردی!

خب! خیلی ذوق نکنید؛ زیبایی یک مکتب تنها به تعالیم ارزشمندش نیست.

اصلاً بی‌خیال کافر و زندیق... ما در خانه و زندگی حق نزدیک‌ترین عزیزانمان را بجا می‌آوریم؟

گزارش

زهرا چیذری

کرونا در پایتخت کاهشی شد

توقف فوتی‌ها در سیستان با واکسیناسیون گسترده

هر چند آمار مرگ‌های روزانه همچنان بالای ۶۰۰ مورد فوتی است، اما در برخی مناطق کشور انگار ویروس دلتا در حال سر به زیری است و موج پنجم از قله به سرازیری فرود می‌آید. آن طور که علیرضا زالی، فرمانده ستاد مقابله با کرونای پایتخت می‌گوید، در تهران با کاهش ۷ درصدی فوتی‌ها مواجه بوده‌ایم. در سیستان و بلوچستان هم که تا حدود یک ماه پیش کرونا در شرایطی بحرانی قرار داشت حالا آرامش حکمفرما شده و این استان در ۲۴ ساعت منتهی به ۶ شهریور ماه هیچ مورد فوتی ناشی از کرونا ثبت نکرد. مهار کرونای دلتا در سیستان و بلوچستان از یک سو به واسطه واکسیناسیون گسترده در این استان و از سوی دیگر عبور از قله موج پنجم رخ داده‌است. حالا نگرانی‌ها برای موج بعدی کرونا و ورود ویروس لامبدا جدی‌تر شده‌است و این می‌طلبد تا سرعت واکسیناسیون و ایجاد ایمنی کامل در افراد با تزریق دو دوز واکسن بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. وزیر بهداشت دولت سیزدهم هم در نشست با مدیران سازمان غذا و دارو بر تسریع در روند صدور مجوز برای واکسن‌های داخلی کرونا تأکید کرد.

بر اساس گزارش‌های ۲۴ ساعته وزارت بهداشت تا ۸ شهریور ۱۴۰۰ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۳۳ هزار و ۷۸۰ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که ۴ هزار و ۹۱۸ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۴ میلیون و ۹۶۰ هزار و ۷۴۴ نفر رسید. در همین زمان، ۶۶۹ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جانباختگان این بیماری به ۱۰۷ هزار و ۱۵۱ نفر رسید. ۷ هزار و ۸۸۶ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. در حال حاضر ۳۰۶ شهر کشور در وضعیت قرمز، ۱۱۰ شهر در وضعیت نارنجی و ۳۲ شهر در وضعیت زرد قرار دارند. آمار کلی مرگ و میرها از بهبود وضعیت شیوع بیماری حکایت ندارد، اما این آمار در مناطق مختلف متفاوت است و برخی استان‌ها با کاهش آمار فوتی و بستری مواجهند.

■ کاهش ۷ درصدی مرگ‌ها در تهران

علیرضا زالی، فرمانده ستاد مدیریت مقابله با بیماری کرونا در کلانشهر تهران در حاشیه مراسم افتتاح مرکز واکسیناسیون صنایع هوایی وزارت دفاع (پنها) تأکید کرد: «در حال حاضر میزان واکسیناسیون باید در کشور از شتاب بیشتری برخوردار شود و برای رسیدن به یک ایمنی جمعی کافی، باید ۸۱ درصد از جمعیت هدف ایران واکسینه شوند.»

به گفته وی در حال حاضر با انجام واکسیناسیون در کشور، میزان مرگ و میرها به میزان ۷ درصد، بستری‌های عادی ۳ درصد و میزان بستری در بخش مراقبت‌های ویژه حدود ۲ درصد کاهش یافته‌است.

زالی با بیان اینکه به رکورد ۱۳۲ هزار تزریق در کشور رسیده‌ایم، گفت: «۴ میلیون و ۷۱۰ هزار نفر دوز اول واکسن را در تهران دریافت کرده‌اند که یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر هر دو دوز واکسن را زده‌اند.»

■ سر به زیری دلتا در سیستان و بلوچستان

سیستان و بلوچستان اما تنها استانی است که طی روزهای اخیر روز بدون مرگ بیماران کرونایی را ثبت کرده‌است. در این استان در شبانه‌روز منتهی به ششم شهریور، فوتی‌های کرونایی در این استان به صفر رسید. بعد از اوج‌گیری کرونا در این استان در ماه‌های اخیر، حالا در قله موج پنجم، به دلیل واکسیناسیون گسترده حتی در افراد بالای ۳۵ سال وضعیت این استان بهتر از بسیاری از نقاط دیگر ایران است.

■ لامبدا بیخ گوش ایران

هنوز از شر ویروس دلتا راحت نشده باید فکری به حال سوش لامبدا کنیم! آنطور که علیرضا ناجی، رئیس مرکز تحقیقات ویروس‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌گوید این ویروس به کشورهای اطراف ما یعنی ترکیه، قطر و هندوستان رسیده و خلاصه بیخ گوش ایران است. وی درباره لامبدا اینگونه توضیح می‌دهد: «واریانت لامبدا، واریانتی است که اولین‌بار در آگوست سال ۲۰۲۰ در پرو شناسایی شد و از آن زمان تاکنون بیش از ۴۰ کشور این واریانت را شناسایی کردند و مطمئناً هم به نظر می‌رسد که بیش از اینها باشد.» به گفته ناجی گزارشات هم نشان داده می‌تواند در کودکان بیماری بیشتر و شدیدتری ایجاد کند. البته این تصویر نهایی نیست. زیرا ما باید در این زمینه در کشورهایی که لامبدا را گزارش کردند، تصویرسازی مناسب حاصل از اطلاعات بالینی آزمایشگاهی انجام دهیم تا ببینیم که بیماری شدیدتری می‌دهد یا خیر. وی درباره واکسن گریزی ویروس لامبدا هم می‌گوید: «مطالعاتی که در این زمینه انجام شده، نشان داده که کاهش کفایت واکسن را در این واریانت می‌بینیم. به عنوان مثال درباره مدرنا و فایزر کار شده و دیده‌اند که دو تا سه برابر کاهش اثربخشی این واکسن‌ها را در برابر لامبدا داریم. به هر صورت می‌توان گفت که با واریانتی مواجهیم که هم احتمال انتقال بالاتری دارد و هم شکست واکسن و گریز از سیستم ایمنی در آن بیشتر است.» پیش از این ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت از لزوم واکسیناسیون بالای ۹۰ درصدی برای مقابله با ویروس دلتا سخن گفته بود. آنطور که کارشناسان تأکید دارند واکسیناسیون از بیمار شدن جلوگیری نمی‌کند، اما ریسک مرگ را کاهش می‌دهد. حالا هم افزایش پوشش واکسیناسیون در کنار کنترل مرزها و شناسایی بیماران راهکارهایی است که می‌تواند از ورود لامبدا به کشور جلوگیری کند یا دست‌کم آن را به تأخیر بیندازد.

■ تأکید وزیر بر تسریع صدور مجوز واکسن‌های وطنی

بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت تازه نفس دولت سیزدهم هم در نشست وزیر بهداشت با رئیس و مدیران سازمان غذا و دارو، با بیان اینکه در دوران بحرانی هستیم و باید به مشکلات هم بحرانی رسیدگی شود، بر ضرورت تسریع در روند صدور مجوز برای واکسن‌های داخلی کرونا تأکید کرد. عین‌اللهی با اشاره به تعداد مرگ و میر در کشور، بر ضرورت توجه به تولید داخل تأکید کرد و گفت: «باید توجه ویژه‌ای به کیفیت داروهای تولید داخل شود و در همین راستا اقدامات رسانه‌ای و فرهنگی متعددی انجام شود.»